

## اسامی دیگر قرآن کریم

قرآن مجید بنامهای دیگری نیز نامیده شده است:

۱- از آنجمله است فرقان چنانکه در تنزیل عزیز میفرماید «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً» - آیه اول سوره فرقان.

کلمه فرقان از سه حرف (ف ر ق) ترکیب یافته معنی آن تفرقه وجدائی میباشد این نام برای قرآن از آن جهت است که این کتاب بین حق و باطل جدائی میاندازد.

۲ - یکی دیگر از نامهای قرآن کتاب است چنانکه در تنزیل عزیز میفرماید «ذالک الکتاب لاریب فیه» (۴) جوهر کلمه کتاب (ک ت ب) معنی جمع را میسراند و قرآن جامع قصص و آیات و احکام میباشد.

گفته اند لفظ فرقان و کتاب هم از ریشه آرامی اخذ شده و در زبان عرب متداول گشته است.

۳ - دیگر از اسامی قرآن ذکر

میباشد چنانکه خدا میفرماید «وهذا ذکر مبارک انزلناه» (۵) ریشه ذکر (ذ ک ر) معنی آن علو و شرف را میسراند.

۴ - و نیز تنزیل از جمله اسماء قرآن مجید محسوب میشود چنانکه میفرماید «وانه تنزیل رب العالمین» ریشه آن (نزل) معنی فرود آمدن را میسراند این نام مشعر بر این است که قرآن بوسیله وحی به پیامبر اکرم (ص) فرستاده شده است.

این دو لغت ذکر و تنزیل را عربی خالص بحساب آورده اند.

اسماء دیگری نیز برای قرآن ذکر شده است که زرکشی در کتاب البرهان نقل از قاضی شیدله تا ۵۵ نام برای قرآن شمرده که بیان آنها بعنوان خلط بین تسمیه و وصف است.

بعنوان مثال لفظ علی را بعنوان نام قرآن ذکر کرده اند زیرا در قرآن خدا میفرماید (وانه فی ام الکتاب لدیننا لعلی حکیم) (۶) و یا مجید چون در قرآن میفرماید «وقال قرآن المجید» (۷)

یکی دیگر عزیز است بدلیل آیه

شریفه «وانه لکتاب عزیز» (۸) و همچنین عربی بدلیل «قرآناً عربیاً» (۹)

بنا بعقیده عده دیگر از علماء اسامی قرآن بالغ بر ۹۰ میباشد (۱۰)

۱- آیه ۱۷ سوره قیامت

۲- آیه ۱۸ سوره قیامت

۳- برای مزید اطلاع بصفحات ۱۱ و ۱۲ کتاب مباحث فی علوم القرآن دکتر صبحی صالح استاد ادبیات دانشگاه دمشق مراجعه شود.

۴ - سوره دوم آیه اول

۵ - سوره انبیاء آیه ۵۰

۶ - سوره زخرف آیه ۴۱

۷ - آیه اول سوره ق

۸ - سوره فصلت آیه ۴۱

۹ - سوره زمر آیه ۵

۱۰ - برای مزید فایده بصفحه ۱۲

و ۱۳ کتاب مباحث فسی علوم القرآن و همچنین بکتاب البرهان زرکشی صفحه ۲۷۳ الی ۲۸۲ منطبعه سال ۳۷۶ مراجعه شود.



## رساله جامع علوم انسانی

ریشه (و ح ی) دلالت میکند ، بر القاء علمی در پنهانی یعنی ،

در روایتی که مربوط بعلم قرآن ، در بحار الانوار باب ۱۲۸ جلد ۱۹ ص ۹۸ آن از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل میکنند ، آن حضرت در جواب کسی که از لفظ وحی ، در کتاب خدا سؤال نموده ، آن بزرگوار آنرا به هفت قسم تقسیم فرموده اند:

۱ - وحی رسالت و نبوت که برای آن به آیه «انا و احینا الیک کما و احینا الی نوح و النبیین من بعده و احینا الی ابراهیم و اسمعیل و یعقوب و الاسباط و عیسی و ایوب و یونس و هرون و سلیمان و آتینا داود زبوراً» (آیه ۱۶۳ سوره نساء) یعنی استشهاد فرموده اند به توحی فرستادیم ، همانطور که به نوح و پیغمبران

بعدازوی وحی فرستادیم و به ابراهیم و اسمعیل و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هرون و سلیمان وحی فرستادیم ، و به داود زبور اعطاء نمودیم

۲ - وحی الهام که برای آن آیه مبارکه «و اوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال بيوثا و من الشجر و مما یرشون» (آیه ۶۸ سوره نحل) را شاهد آورده اند یعنی پروردگار تو بوزنبور عسل وحی فرستاد ، که خانه ها در کوهها ، و درختان و کندوها انتخاب کن ، و همچنین آیه مبارکه «و احینا الی ام موسی ان ارضعیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم و لا تخافی و لا تجزنی انا رادوه الیک و جا علوه من المرسلین» (آیه ۸ سوره قصص) یعنی بعد از موسی وحی فرستادیم ، که موسی را

شیریده ، پس هنگامی که بر او ترسیدی ، او را در دریا بیانداز ، و نترس و اندوهناک مباش ، ما او را بتو خواهیم برگردانید ، و او را از پیغمبران قرار خواهیم داد .

۳ - وحی اشاره و برای آن به آیه مبارکه « فخرج علی قوم من المحراب فاوحی الیه ان سبحوا بکرة و عشیا» (آیه ۱۱ سوره مریم) ، مثال زده اند یعنی زکریا از محراب بسوی قوم خود خارج شد و پائان با اشاره فرمود که روز و شب تسبیح پروردگار بجا آورید .

۴ - وحی تقدیر و برای آن به آیه مبارکه «و اوحی فی کل سماء امرها» (آیه ۱۲ - سوره فصلت) استشهاد فرموده اند یعنی در هر آسمان امرش را وحی کرد لطفاً بقیه را در صفحه ۷۲ بخوانید

## وحی

حضرت امیرالمؤمنین (ع) وحی الهام شمرده است، عبارت از یکنوع وجدانی است که برای انسان با آن یقینی حاصل میشود، و بطرف مطلوب میرود، و در عین حالی که نمیداند، از کجا آمده است.

۲- وحی نبوت و آن وحی است، که بر پیامبران فرستاده میشود و رابطه خاصی است. که پیغمبران با مبدء آفرینش پیدا میکردند و بوسیله آن رابطه، حقائق را از مبدء بزرگ دریافت میداشته اند امکان حصول این سنخ رابطه برای کسی که خدا او را مورد عنایت خود قرار داده چیزی نیست که ادراک آن برای عقل مشکل باشد. بعضی از دانشمندان علوم جدید که خیال میکنند میتوان تمام حقائق جهان را با معلومات تجربی تفسیر نمود، وحی را یکنوع تجلی شعور باطن یا وجدان ناآگاه پنداشته اند.

برای مظاهر وجدان ناآگاه هم مثالهایی زده اند. مانند حرکات غیر ارادی قسمتی از دستگاههای بدن، مانند قلب، و رؤیاهای صادق، و الهامات ناگهانی مکتشفین، که بدون مقدمات قبلی صورت گرفته است. حقیقت این است، که اسرار جهان منحصر به مکتشفات امروز نیست و بسیاری از مسائل هست، که هنوز علم نتوانسته است با آن پاسخ صریح و روشن بدهد. و مسأله وحی را نیز باید در عداد آنها شمرد. توجیه وحی از طریق شعور ناآگاه با اظهارات پیامبران و کتابهای آسمانی سازگار نیست. زیرا که نتیجه آن فرضیه این میشود که درک پیغمبران نسبت به مسائلی که با آن وحی میشده با درک ما نسبت به مسائلی که از طریق شعور ناآگاه سرچشمه میگردد مغایرتی ندارد. جز آنکه آنان در این جهت نیرومندتر بوده اند. در صورتیکه پیغمبران وحی را بصورت يك رابطه مخصوص با مبدء هستی و مغایر با روابط فکری و علمی دیگر معرفی کرده اند.

آری اگر وحی بمعنی الهامها مانند وحی به مادر موسی بدان توجیه کنیم، شاید اشکالی نداشته باشد. لکن وحی نبوت غیر از آن است.

یعنی تقدیر و اندازه گیری فرمود. ۵- وحی امر چنانکه در آیه مبارکه «و اذا وحیت الی الحواریین ان آمنوا بی و برسولی قالوا آئنا و اشهد باننا مسلمون» (آیه ۱۱۱ سوره مائده) یعنی به حواریین وحی کردم، که بمن و پیغمبر ایمان بیاورید. گفتند ایمان آوردیم. و گواه باش که ما بامر تو تسلیم هستیم، که در این آیه وحی بمعنی امر است. ۶- وحی کذب و برای آن با آیه مبارکه «و کذالك جعلنا لکل نبی عدوا شیاطین الانس و الجن یوحی بعضهم الی بعضی زخرف القول غرورا» (آیه ۱۱۲ سوره انعام) استشهاد فرموده اند. یعنی و همچنین برای هر پیغمبر دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم، که آن دشمنان گفتار خود را مزین بمنظور فریب بیکدیگر وحی میکنند. یعنی بدو وحی تبلیغ میکنند.

۷- وحی خبر که برای آن به آیه مبارکه «و جعلنا منهم ائمة یهدون بامرنا و اوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة و کانوا لنا عابدين» (آیه ۷۳ سوره انبیاء) مثال زده اند. یعنی و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که بامر ما رهبری کنند و با آنان انجام کارهای خوب و برپا داشتن نماز و دادن زکوة را وحی نمودیم و آنان شیادوت کننده ما بودند. بطوریکه میبشیم، در تمام اقسام وحی، که در این روایت از امیرالمؤمنین (ع) بیان شده است معنی اصلی آن که در ابتداء گفتیم اعلام خفی محفوظ است.

وحی پروردگار را میتوان گفت، به دو صورت انجام میگردد، ۱- بصورت الهام چنانکه حضرت امیر بوحدی بزنبور و وحی بمادر موسی مثال زده اند، البته وحی در غیر ذوی العقول بمعنی ایجاد غرائز درونی است که دست قدرت پروردگار در نهاد موجودات قرار داده است. وحی فرستادن بزنبور عمل هم همان تکوین غرائز درونی او است بکاربردن کلمه وحی در اینگونه موارد يك نوع استعاره است اگر این نوع را وحی تکوینی نام نهم نامناسب نیست، وحی بمادر موسی راهم که

عدهای از قنادها و شیرینی فروشهای اصفهان بمنظور مذاکره پیرامون ایجاد يك غسلخانه جدید در محل اداره کل اوقات اصفهان حضور یافتند. پس از توضیحات مدیر کل اوقات اصفهان درباره ضرورت ایجاد این غسلخانه، حاضران ضمن تأیید نظر مدیر کل اوقات منطقه اصفهان مبلغ معتنا بهی بمنظور افتتاح حساب مخصوص تعهد پرداخت کردند و حسابی برای این منظور در بانک بیمه بازرگانان شعبه اصفهان بشماره ۴۰۰ افتتاح گردید. نقشه ساختمان غسلخانه تهیه و کارهای ساختمانی آن بزودی آغاز خواهد شد.



شمارش و کنترل نذورات امامزاده عبدالله (ع)

### تعمیرات و کاشیکاری گنبد مزار حضرت شاه چراغ (ع)

از جمله بقاع متبرکه که مورد تعظیم و تکریم مردم ایران است مزار شریف حضرت شاه چراغ (ع) و برادر ارجمندش سید محمد در شهر شیراز است.

با توجه بشکایاتی که میشد لزوم حسن اداره امور بقاع مزبور ایجاب می نمود که در وضع معمول آنها تجدید نظر شود و در باب نگهداری بقاع و جمع آوری نذورات، امر تدفین اموات و مخصوصاً تعمیرات ضروری و کاشیکاری گنبد و بدنه آنها با بررسی های لازم اقدامات مؤثری بعمل آید.

از اینرو از طرف سازمان اوقاف هیئت امنائی از شخصیتهای علاقمند و مورد اطمینان انتخاب گردید و با جلب توجه استاندار فارس - در طریق تقویت و حمایت قانونی از فعالیتهای خداپسندانه آنان - اقدامات مهمی صورت گرفت.

بنوعی کارهای صحیحی که از روی علاقه و ایمان صورت گیرد همواره مورد توجه علاقمندان و سبب تشویق آنان می شود خدمات ضمیمانه آنها و متولی نیز موجب شده که مثلاً میزان درآمد نذورات از نیمه دوم اسفند ۱۳۴۴ لغایت تیرماه ۱۳۴۵ متجاوز از ۱۵۰/۰۰۰ ریال و میزان هدایا در همان مدت قریب بر ۱۵۰/۰۰۰ ریال شود و این امکان حاصل آید که علاوه بر انجام کارهای مهمی از قبیل کاشیکاری گنبد و تعمیرات ضروری آستانه برنامه های وسیعی در زمینه توسعه صحن، درمانگاه، پرورشگاه، کتابخانه، موزه، تأسیس سالن اجتماعات و تعمیرات اساسی طرح و بررسی گردد و با اجرای آنها قدم مهم دیگری در عمران دو بقعه شریف و تأمین تمنیات قلبی علاقمندان برداشته شود.